

ز صندوق رای

قانون اساسی پاکستان

دلایل‌شان نامعتبر تشخیص داده شود، قاضی مجبور به بازنشستگی خواهد شد. موافقان استدلال می‌کنند که این کار توزیع عادلانه نیروی انسانی (قاضی) در تمام مناطق کشور را تضمین می‌کند، اما منتقدان نگرانند که از این ابزار برای تهدید قضات استفاده شود.

▼ مدافعان این اصلاحیه چه می‌گویند؟

دولت در متن پیش‌نویس، منطق خود را برای تغییر قانون اساسی این گونه شرح داده بود که افزایش شدید تعداد دادخواست‌های مربوط به قانون اساسی در دیوان عالی، «تأثیر قابل‌توجهی بر رسیدگی بهموقع به پرونده‌های مدنی و کیفری عادی گذاشته است.» همچنین اعلام شده بود که تغییرات پیشنهادی در اصل ۲۴۳ با هدف بهبود «شفافیت رویه‌ای و ساختار اداری نیروهای مسلح» انجام می‌شود. برخی از کارشناسان حقوقی با این دیدگاه موافق هستند. حافظ احسان احمد کوکر، وکیل دیوان عالی، معتقد است که تأسیس یک «دادگاه قانون اساسی فدرال» (FCC) دائمی، بستر لازم برای «تخصص متمرکز و دادرسی بهموقع» را فراهم می‌کند. این وکیل ساکن اسلام‌آباد به الجزیره گفت: «این دادگاه صلاحیت تفسیر قانون اساسی، حل‌وفصل اختلافات میان دولت‌فدرال و استان‌ها، تعیین اعتبار قوانین و ارائه نظرات مشورتی را خواهد داشت. چنین ساختاری، تخصص‌گرایی و سرعت در دادرسی را تضمین می‌کند.»

کوکر استدلال می‌کند که تأسیس FCC، انسجام، سرعت و نظم را به دادرسی‌های قانون اساسی می‌بخشد. از سوی دیگر، ایجاد پست «رئیس نیروهای دفاعی» (CDF) نیز فرماندهی استراتژیک را یکپارچه کرده و بدون آنکه استقلال نیروهای نظامی موجود را برهم بزند، هماهنگی میان آن‌ها را افزایش می‌دهد. او نتیجه‌گیری کرد: «هر دو اصلاحیه بر پایه واقعیت‌های چالش‌های حکمرانی در پاکستان و پیچیدگی روزافزون کارکردهای دولت تدوین شده‌اند.

این اقدامات به پاکستان کمک می‌کند تا به سمت یک دموکراسی بالغ و قانون‌مند حرکت کند؛ جایی که نهادهای قضایی، غیرنظامی و دفاعی بتوانند نقش‌های تخصصی خود را در هماهنگی کامل با یکدیگر ایفا کنند.» هواداران ارتش استدلال می‌کنند که ارتش تنها نهادی است که توانسته یکپارچگی کشوری را که زیر بار بدهی فلج شده، حفظ کند؛ کشوری که اکنون با نرخ فقر ۲۵ درصدی (بالاترین میزان در نزدیک به یک دهه اخیر) روبه‌روست و با یکی از پایین‌ترین سطوح سرمایه‌گذاری خارجی در جنوب آسیا دست‌وپنجه نرم می‌کند.

▼ دیدگاه مخالفان چه بود؟

استدلال‌های موافقان به هیچ وجه برای مخالفان قانع‌کننده نبود. دو حزب اپوزیسیون با این لایحه مخالفت کردند؛ از جمله حزب عمران‌خان، نخست‌وزیر پیشین و ستاره سابق کریکت، که همچنان به دلیل محکومیت در پرونده فساد مالی در زندان به سر می‌برد. او و حزیش یارد این اتهامات، تأکید دارند که این حکم، تاوان انتقادات آشکار او از ارتش بوده است. در همین راستا، نمایندگان حزب آقای خان در هفته گذشته، جلسات رأی‌گیری در هر دو مجلس را تحریم کردند.

با زندانی شدن عمران‌خان و رهبران کلیدی حزیش، صدای اپوزیسیون سیاسی عملاً خاموش شده است. برگزاری تظاهرات ممنوع گردیده و اتهامات گسترده مبنی بر دخالت و دستکاری ارتش در انتخابات سال گذشته، نادیده گرفته شده است. ستون‌نویسان و مدیران رسانه‌ای نیز از افزایش فشار و سانسور از سوی دولت و تشکیلات نظامی خبر می‌دهند.

موضع‌گیری نهادهای مدنی هم تأثیری نداشته است. کمیسیون حقوق بشر پاکستان معتقد است هیچ فوریتی برای تصویب الحاقیه با این سرعت وجود نداشت. این کمیسیون اعلام کرد: «شتاب‌زدگی دولت، از جمله فقدان هرگونه مشورت معنادار با اپوزیسیون سیاسی، جامعه حقوقی وسیع‌تر و جامعه مدنی، نیت اصلی پشت ارائه این لایحه اصلاحیه را زیر سؤال می‌برد.»



استدلال‌های موافقان به هیچ وجه برای مخالفان قانع‌کننده نبود. دو حزب اپوزیسیون با این لایحه مخالفت کردند: از جمله حزب عمران‌خان، نخست‌وزیر پیشین و ستاره سابق کریکت، که همچنان به دلیل محکومیت در پرونده فساد مالی در زندان به سر می‌برد. او و حزیش با رد این اتهامات، تأکید دارند که این حکم، تاوان انتقادات آشکار او از ارتش بوده است. در همین راستا، نمایندگان حزب آقای خان در هفته گذشته، جلسات رأی‌گیری در هر دو مجلس را تحریم کردند.



ریمایم از «کمیسیون بین‌المللی حقوق‌دانان» (ICJ) نیز هشدار داد که این اصلاحیه نشانگر یک «تغییر بنیادین» برای قوه قضائیه است. او گفت: «اصلاحیه بیست‌وهفتم، دیوان عالی پاکستان را تنها به یک دادگاه تجدیدنظر تنزل می‌دهد. همچنین دیگر دیوان عالی پاکستان نیست، بلکه فقط دیوان عالی است و رئیس آن، رئیس دیوان عالی خواهد بود، نه قاضی‌القضات پاکستان.» به گفته عمر، قوه قضائیه، حداقل در کوتاه‌مدت و میان‌مدت، تا حد زیادی وامدار قوه مجریه خواهد بود. در پاکستان این باور وجود دارد که اعطای مصونیت به شخصیت‌های نظامی در حالی که چنین مصونیتی به نخست‌وزیر و شخصیت‌های منتخب مردم اعطا نمی‌شود، به معنی برتری یونیفورم نظامی بر صندوق رای در پاکستان است.

▼ عاصم منیر، ژنرال قدرتمند حتی بیرون از پاکستان

یکی از مهم‌ترین مزیت‌های عاصم منیر نسبت به افراد قدرتمند دیگر در پاکستان تجربه موفق او در عرصه بین‌المللی و احساس نیاز قدرت‌های منطقه‌ای و فرمانده‌های به‌خصوص چهره‌ای مقتدر و ضامن ثبات در پاکستان است. داستان زندگی و صعود او، روایتی است از انضباط نظامی، بازی‌های پیچیده اطلاعاتی و دیپلماسی اقتصادی که اکنون پاکستان را در یکی از حساس‌ترین مقاطع تاریخی‌اش هدایت می‌کند. عاصم منیر بر خلاف بسیاری از پیشینیان خود که از آکادمی نظامی کاکول فارغ‌التحصیل شده‌اند، مسیر متفاوتی را طی کرد. او دانش‌آموخته مدرسه آموزش افسران (OTS) در منگلا است و با دریافت نشان «شمشیر افتخار» (به عنوان برترین دانشجوی دوره)، از همان ابتدا استعداد رهبری خود را اثبات کرد. خدمت در مناطق عملیاتی دشوار شمالی و درگیری مستقیم با چالش‌های مرزی، شخصیت نظامی او را صیقل داد. اما آنچه منیر را متمایز می‌کند، کارنامه اطلاعاتی منحصر‌به‌فرد اوست. او نخستین فرمانده ارتش در تاریخ پاکستان است که پیش از این مقام، ریاست هر دو سازمان اطلاعاتی قدرتمند کشور (اطلاعات نظامی یا MI و سازمان اطلاعات داخلی یا ISI) را بر عهده داشته است. این سابقه، اشرفی بی‌نظیر بر لایه‌های پنهان قدرت و تهدیدات داخلی و خارجی به او بخشیده است.

از طرفی، نقش منیر در تنش‌های نظامی با هند، به‌ویژه در دوران ریاستش بر ISI، او را به عنوان یک استراتژیست تندرو و عمل‌گرا تثبیت کرد. در جریان بحران «پولواما» در سال ۲۰۱۹ و درگیری‌های «بالاکوت»، او نقشی کلیدی در مدیریت پاسخ پاکستان و طراحی استراتژی‌های نامتقارن علیه هند داشت. در محافل نظامی، او را افسری می‌شناسند که «دکترین جنگ ترکیبی» هند را عمیقاً درک می‌کند. همین ویژگی باعث شد تا نخبگان امنیتی او را گزینه‌ای مطمئن برای حفظ موازنه وحشت در برابر رقیب هسته‌ای بدانند؛ کسی که نه تنها زبان دیپلماسی، بلکه زبان زور را نیز خوب می‌فهمد و در برابر فشارهای دهلی‌نو کوتاه نمی‌آید.

مسیر رسیدن به صندلی فرماندهی ارتش هموار نبود. برکناری زودهنگام او از ریاست ISI توسط عمران‌خان (نخست‌وزیر وقت)، می‌توانست پایان کار او باشد. اما سقوط دولت عمران‌خان، ورق را برگرداند. شهباز شریف او را به فرماندهی ارتش منصوب کرد؛ انتخابی که پیامی روشن داشت: بازگشت ارتش به مرکز ثقل تصمیم‌گیری‌های کلان.

پس از به قدرت رسیدن، منیر استراتژی جدیدی را با عنوان «دیپلماسی اقتصادی-نظامی» در پیش گرفت. او برای نجات اقتصاد در آستانه فروپاشی پاکستان، نقشی فراتر از یک فرمانده نظامی ایفا کرد و شخصاً وارد مذاکره با محمد بن سلمان، ولیعهد سعودی، شد.

تأسیس «شورای ویژه تسهیل سرمایه‌گذاری» (SIFC) که در آن ارتش ضامن پروژه‌های اقتصادی است، نتیجه همین رویکرد بود. عربستان و امارات با اعتماد به تضمین‌های امنیتی منیر، میلیارد‌ها دلار سرمایه به پاکستان تزریق کردند. این پیمان نانوشته، نه تنها کشور را از ورشکستگی نجات داد، بلکه موقعیت منیر را به عنوان تنها ضامن ثبات پاکستان تثبیت کرد. در نگاه ایالات متحده و به‌ویژه دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا عاصم منیر چهره‌ای جذاب است. ترامپ همواره به همکاری با «مردان قدرتمند» که توانایی کنترل اوضاع داخلی را دارند، تمایل داشته است. از دیدگاه آن‌ها، دموکراسی‌های بی‌ثبات در منطقه، کارایی کمتری نسبت به یک حکومت مقتدر نظامی دارند.

عاصم منیر، دو ماه قبل به همراه نخست‌وزیر پاکستان، شهباز شریف عازم عربستان سعودی شد تا با عربستان که در مسائل نظامی به شدت به تکنولوژی و تجهیزات ایالات متحده وابسته است، توافق دفاعی منعقد کند. این دو کشور در حالی یک توافق دفاعی جامع امضا کردند که خاورمیانه تحت تأثیر رفتارهای تهاجمی اسرائیل و سیاست‌پیش‌بینی ناپذیر واشنگتن که به‌طور خاص در حمایت از حمله اسرائیل به ایران در میانه مذاکرات هسته‌ای با آمریکا و عدم جلوگیری از حمله اسرائیل به قطر (یکی از مهم‌ترین متحدان آمریکا در منطقه) بازتاب یافت، تغییر کرده است.

می‌توان این توافق را که به نوعی چتر هسته‌ای پاکستان را بر سر عربستان نیز گستراند، بخشی از پازل ایالات متحده برای راضی کردن ریاض به عادی‌سازی روابط با اسرائیل دانست که لازمه آن حضور فردی مقتدر در پاکستان است که انگیزه‌های ایدئولوژیک و اسلامی کمتری داشته باشد و با رویکردی عملگرایانه پرونده همکاری‌های بین‌المللی را دنبال کند.

سیاستمداران



لغو سفر به استانبول

سخنگوی کرملین دیروز اعلام کرد روسیه هیچ مقامی را برای شرکت در مذاکرات روز چهارشنبه که در استانبول برگزار می‌شود، اعزام نمی‌کند. در حالی که اخباری از سفر «استیو ویتکاف»، نماینده ویژه آمریکا و «ولودیمیر زلنسکی»، رئیس‌جمهور اوکراین به ترکیه منتشر شده است، «دیمیتری پسکوف»، سخنگوی کرملین گفت: «مسکو هیچ مقامی را به این گفت‌وگوها اعزام نمی‌کند و هیچ اطلاعاتی از سوی اوکراین درباره تمایل از سرگیری مذاکرات دریافت نکرده است.» وی در بخش دیگری صحبت‌هایش گفت، موضع روسیه برای ایالات متحده، ترکیه و اوکراین کاملاً شناخته شده است و روسیه همچنان پذیرای گفت‌وگوست. سخنگوی کرملین همچنین افزود، ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه در صورت لزوم، پذیرای گزارش مقامات ترکیه در مورد جلسات استانبول است، اگرچه در حال حاضر هیچ برنامه خاصی وجود ندارد.



استقبال نتانیاهو از تصویب طرح ترامپ

نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی رای شورای امنیت سازمان ملل و تصویب طرح صلح ۲۰ ماده‌ای رئیس‌جمهور آمریکا برای نوار غزه را تحسین کرده و مدعی شد این اتفاق به دلیل تضمین خلع سلاح نوار غزه منجر به صلح خواهد شد. شورای امنیت سازمان ملل متحد بامداد سه‌شنبه به قطعنامه‌ای که توسط آمریکا برای «تشکیل یک نیروی بین‌المللی ایجاد ثبات در غزه» تهیه شده بود و به اصطلاح طرح صلح «دونالد ترامپ»، رئیس‌جمهور آمریکا برای غزه را تقویت می‌کرد، رأی مثبت داد. این طرح شامل استقرار یک نیروی بین‌المللی و مسیری برای تشکیل یک کشور فلسطینی در آینده است. ۱۲ کشور به این قطعنامه رأی مثبت و روسیه و چین رأی ممتنع دادند. آخرین پیش‌نویس این قطعنامه که رویترز آن را رویت کرد، تصریح می‌کند که کشورهای عضو می‌توانند در «شورای صلح» موسوم به هیئت انتقالی مشارکت کنند؛ نهادی که مسئولیت نظارت بر بازسازی و احیای اقتصادی غزه را بر عهده خواهد داشت.



شرط امضای تحریم‌های روسیه

یک مقام ارشد کاخ سفید گفت رئیس‌جمهور آمریکا به شرطی با طرح تحریم‌ها علیه روسیه موافقت خواهد کرد که اختیار نهایی تصمیم‌گیری در خصوص هرگونه اقدامی از این دست را در دست داشته باشد. «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور ایالات متحده به خبرنگاران گفت که «از نظر من مشکلی ندارد» که جمهوری خواهان در حال کار روی قانونی برای اعمال تحریم علیه کشورهایی هستند که با روسیه به دلیل عدم موفقیت مسکو در مذاکرات توافق صلح با اوکراین تجارت می‌کنند. ترامپ همچنین گفت که قانونگذاران ممکن است پیشنهاد او برای افزودن ایران به طرح تحریم‌ها را بپذیرند. سناتور «لیندسی گراهام» و «برایان فیتزپاتریک» عضو مجلس نمایندگان ایالات متحده که هر دو جمهوری‌خواه هستند، از قانون اعمال تحریم بر کشورهایی که با روسیه تجارت می‌کنند، از جمله خریداران انرژی آن، حمایت کرده‌اند.